

The Methodology of Expressing Educational Points in the Qur'an with an Emphasis on the Blessed Surah Al-Hujurat

Erfan Yousefi Moghadam¹

Mohammad Ali Mohammadi²

Received: 16/12/2022

Accepted: 09/12/2023



Abstract

The most prominent goal of the revelation of the Holy Qur'an for the whole world is to guide them to the correct lifestyle and in other words to educate people correctly. The Holy Quran, as the most important human educational book, has pursued such a goal during the 23 years of Prophethood of the Holy Prophet and in various forms. The present study seeks to explain the most important forms of expression of educational points that are used in the Qur'an through a descriptive-analytical method and show an example of them in Surah Hujurat, which is known as a moral-educational surah in the Qur'an so that the audience can get to know these methods and their Qur'anic expression better. The Holy Quran has several methods to express educational points, the main methods of which are seven methods, which are, remembering and reminding; 2. Preaching and advising; 3. Encouragement and punishment; 4. Stimulation of emotions; 5. Command and prohibition; 6. Model presentation and 7. Storytelling. These methods have been examined in the present study with regard to Surah Hujurat.

Keywords

Education points, methodology, Surah Hujurat, education.

1. PhD student, Qur'anic and Hadith Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran. Iran
(Corresponding author). eymb81@gmail.com.

2. M. A in Qur'an and Hadith Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran. Iran.
mam1344@gmail.com.

* Yousefi Moghadam, E., & Ali Mohammadi, M. (1402 AP). The methodology of expressing educational points in the Qur'an with an emphasis on the blessed Surah Al-Hujurat. *Journal of Studies of Qur'anic Sciences*, 5(15), pp. 156-181. DOI: 10.22081/JQSS.2023.65522.1238

منهجية كيفية التعبير عن النقاط التربوية في القرآن الكريم مع التركيز على سورة الحجرات

محمدعلي محمدي^٢

عرفان يوسفى مقدم^١

تاريخ القبول: ٢٠٢٣/١٢/٠٩

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٢/١٢/١٦

الملخص

إن الهدف الأسمى من نزول القرآن الكريم للعالم هو إرشادهم إلى طريق الحياة الصحيح، وبعبارة أخرى تربية الناس على الطريق الصحيح. إن القرآن الكريم، باعتباره أهم كتاب تعليمي للإنسانية، فقد كان له هذا الهدف خلال ٢٣ سنة من النبوة وقد تبع ذلك بطرق مختلفة. يحاول البحث الحالي بيان أهم أشكال التعبير عن النقاط التربوية المستخدمة في القرآن الكريم بالمنهج الوصفي التحليلي، وتقديم أمثلة عليها في سورة المباركة الحجرات، والتي تعرف بالسورة الأخلاقية التربوية في القرآن الكريم، ليتمكن الجمهور من التعرف على هذه الأساليب وتعبيرها القرآني بشكل أفضل. للقرآن الكريم عدة أساليب للتعبير عن المفاهيم التربوية، أهمها سبعة أساليب وهي: ١. التذكير؛ ٢. الوعظ والمشورة؛ ٣. التشجيع والعقاب؛ ٤. تحفيز العواطف؛ ٥. الأمر والنهي؛ ٦. عرض القدوة الحسنة؛ و ٧. رواية القصص. وقد تم بحث الحالات المذكورة أعلاه في البحث الحالي، مع التركيز على السورة المباركة "الحجرات".

المفردات المفتاحية

المفاهيم التربوية، المنهجية، سورة الحجرات، التربية.

١. طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث، جامعة العلامة الطباطبائي، طهران. إيران (الكاتب المسؤول).

eymb81@gmail.com

mam1344@gmail.com

٢. الماجستير في علوم القرآن والحديث، جامعة العلامة الطباطبائي، طهران. إيران.

* يوسفى مقدم، عرفان؛ محمدي، محمدعلي. (٢٠٢٣م). منهجية كيفية التعبير عن المفاهيم التربوية في القرآن الكريم مع التركيز على سورة الحجرات. الفصلية العلمية التربوية لدراسات علوم القرآن، ٥(١٥)، صص ١٥٦-١٨١.

DOI: 10.22081/JQSS.2023.65522.1238

روش‌شناسی بیان نکات تربیتی در قرآن با تأکید بر سوره مبارکه حجرات

محمد علی محمدی^۲

عرفان یوسفی مقدم^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵



چکیده

برجسته‌ترین هدف نزول قرآن کریم برای جهانیان، هدایت ایشان به شیوه صحیح زندگی و به بیانی دیگر تربیت صحیح افراد است. قرآن کریم، به‌عنوان مهم‌ترین کتاب تربیتی بشر، چنین هدفی را در مدت ۲۳ سال نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به شکل‌های گوناگون دنبال کرده است. پژوهش پیش‌رو تلاش بر آن دارد که با روش توصیفی - تحلیلی مهم‌ترین شکل‌های بیان نکات تربیتی که در قرآن از آن استفاده شده است را تبیین کرده و نمونه‌ای از آنها را در سوره مبارکه حجرات که به‌عنوان سوره‌ای اخلاقی - تربیتی در قرآن شناخته می‌شود نشان دهد، تا مخاطب بتواند با این روش‌ها و بیان قرآنی آنها بهتر آشنا گردد. قرآن کریم برای بیان نکات تربیتی شیوه‌های متعددی دارد که شیوه‌های اصلی آن هفت روش است که عبارتند از: ۱. تذکر و یادآوری؛ ۲. موعظه و نصیحت؛ ۳. تشویق و تنبیه؛ ۴. تحریک عواطف؛ ۵. امر و نهی؛ ۶. ارائه الگو و ۷. قصه‌گویی. این موارد در پژوهش حاضر با توجه به سوره مبارکه حجرات مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها

نکات تربیتی، روش‌شناسی، سوره حجرات، تربیت.

۱. دانشجوی دکتری، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران. ایران (نویسنده مسئول).

eymb81@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران. ایران. mam1344@gmail.com

* یوسفی مقدم، عرفان؛ علی محمدی، محمد. (۱۴۰۲). روش‌شناسی بیان نکات تربیتی در قرآن با تأکید بر سوره مبارکه حجرات. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۵(۱۵)، صص ۱۵۶-۱۸۱.

DOI: 10.22081/JQSS.2023.65522.1238

مقدمه و بیان مسئله

مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف از بعثت پیامبران الهی در طول تاریخ، فرستادن کتاب‌های مقدس آسمانی، هدایت انسان به راه درست و تربیت انسان براساس داده‌های وحیانی بوده است. در این میان، قرآن کریم، آخرین کتاب مقدس، جامع‌ترین برنامه تربیتی را برای بشر تا روز قیامت مشخص و ارائه داده است تا انسان با اجرای آن، به هدف از آفرینش خویش رهنمون شود.

تربیت، عبارتست از: بروز عمل یا فعالیتی از جانب مربی برای تأثیرگذاری بر مرتب‌ی. در طول تاریخ، مکاتب بشری گوناگونی در جهت تربیت افراد برآمدند و تلاش داشته‌اند تا شیوه زندگی انسان را به سوی اهداف خودشان سوق دهند. تمام برنامه‌هایی که از سوی مکاتب بشری بر انسان عرضه داشته شده از نواقصی برخوردار بودند که برخی در طول زمان نمایان گشته و برخی نیز نمایان خواهد گشت. در حوزه تربیت، پیروی از روشی صحیح و نتیجه‌بخش، امری مهم و ضروری است، چراکه لغزش و اشتباه در انتخاب روش و به کارگیری آن می‌تواند به گمراهی و نابودی افراد و حتی جامعه منتهی شود؛ بنابراین شناخت و به کارگیری بهترین و کارآمدترین روش‌های تربیتی امری ضروری است. در هر زمانی فردی براساس عقیده‌ای که در ذهن خود داشته، سبک زندگی‌ای را به مردم پیشنهاد می‌دهد، آن‌گونه که مکاتب گوناگون اخلاقی به همین شکل پدید آمده‌اند؛ اما برخلاف رویه‌های موجود بشری در این میان می‌تواند این مربی خداوند باشد که به وسیله پیامبران الهی شیوه زندگی مطلوب را به بشر معرفی می‌کند و چه کسی از خداوند بهتر که چون آفریننده انسان است، خود آگاه به همه نیازهای بشر از کودکی تا کهنسالی در دنیا و نیازهای بشر در جهان دیگر است و در نتیجه می‌تواند بهترین برنامه برای زندگی را معرفی کند. بر این اساس، خداوند بهترین راهنمای زندگی بشری را در بهترین قالب (قرآن) به تصویر کشیده است، پس چه بهتر که در خصوص این امر مهم به سراغ قرآن رفته و این موضوع را در پرتو آیات نورانی آن جستجو کنیم؛ قرآنی که خود را استوارترین راه هدایت بشر معرفی می‌کند:

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ؛ بی تردید این قرآن به استوارترین آیین هدایت می‌کند» (اسراء، ۹).

آنچه که در این پژوهش بررسی می‌شود، کشف روش‌های گوناگونی است که قرآن برای بیان نکات تربیتی خود از آنها بهره برده است. مزیت چنین عملی آن است که پس از مشخص شدن این روش‌ها، افراد مختلف می‌توانند از این فنون برای امر مهم تربیت استفاده کنند؛ تربیتی که از جانب مربی (معلم، والدین و...) برای تاثیرگذاری برای مربی (دانش‌آموز، فرزند و...) انجام می‌گیرد. می‌توان گفت: از آنجا که قرآن کریم معجزه پیامبر خاتم و کلام خداوند حکیم و قادر مطلق می‌باشد، از بهترین روش‌ها و اصول تربیتی برای هدایت و تربیت افراد بهره برده است که لازم می‌آید ما بدان آگاه شویم.

در نهایت پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش اصلی است، که مهم‌ترین روش‌های بیان نکات تربیتی در سوره حجرات کدامند؟ و آنچه که این پژوهش را متمایز می‌کند، کشف روش‌های بیان این نکات در سوره حجرات که به‌عنوان سوره اخلاق و تربیت شناخته شده، می‌باشد تا بتوان این مباحث نظری را به‌صورت عملی در خود آیات نشان داد و یا به بیانی بهتر این روش‌ها را در خود آیات قرآن مشاهده کرد.

۱. پیشینه

در طول تاریخ اسلام، محققان و مفسرانی در قالب کتاب‌ها و پژوهش‌های گوناگون به بیان نکات تربیتی برآمده از قرآن پرداخته‌اند که از جمله این موارد می‌توان به جز روایات معصومین علیهم‌السلام، به تفاسیری چون احسن الحدیث اثر سیدعلی اکبر قرشی، اطیب البیان اثر سیدعبدالحسین طیب، تفسیر القرآن الکریم (المنار فی تفسیر القرآن) اثر محمد عبده و رشید رضا، پیام قرآن اثر ناصر مکارم شیرازی، من هدی القرآن اثر سیدمحمد تقی مدرسی طباطبایی، تفسیر نو اثر محسن قرائتی اشاره کرد. از جمله کتبی نیز که تا حدی به روش‌های بیان نکات تربیتی قرآن پرداخته، می‌توان به اثر سه جلدی روش‌های تربیتی

در قرآن که به کمک جمعی از پژوهشگران تألیف گشته است، اشاره کرد.

از دیگر پژوهش‌هایی که به صورت مقاله به این مهم پرداخته‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «مفهوم‌شناسی تربیت در قرآن کریم» (احمدزاده، ۱۳۸۹)؛ «روش‌ها و هدف‌های تعلیم و تربیت در قرآن کریم» (قائمی، ۱۳۸۳)؛ «عوامل تربیت در قرآن کریم از دیدگاه استاد قرائتی در تفسیر نور» (پورموسوی و ناصری کریم‌وند، ۱۳۹۹)؛ «در آمدی بر اهداف، اصول و روش‌های تربیت در قرآن» (ملکی، ۱۳۹۰). وجه تمایز پژوهش حاضر را می‌توان در ورود به موضوع از جنبه روش‌شناسی و کاربری آن در سوره مبارکه حجرات به‌عنوان سوره اخلاق محور مشاهده کرد.

۲. مفهوم‌شناسی تربیت

تربیت در ادبیات فارسی به معنای «پروردن، پروراندن و آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن» و به صورت کلی به معنای «آموزش و پرورش» (معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۰۶۳) آمده است. در میان لغویان عرب برخی مشتقات این واژه را از ریشه «ربب» و برخی آنها را برآمده از ریشه «ربو» می‌دانند؛ اما با توجه به این شکل کنونی واژه «تربیت»، می‌توان گفت از ریشه «ربو» می‌باشد که در قالب باب تفعیل جای گرفته است. راغب در مفردات آورده است: «الرب فی الاصل التریبه» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۶). از ظاهر این کلام بر می‌آید که واژه تربیت مشتق از ریشه ربو می‌باشد. از نظر وی «ربو» ریشه اصلی این کلمه است. از جمله افراد دیگری که به این موضوع اشاره داشته‌اند ابن منظور است: «تربیه وارتبه و رباه تربیه علی تحویل التضعیف و ترباه علی تحویل التضعیف ایضا» (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۰۱). زبیدی در تاج العروس نیز این موضوع را به شکلی دیگر بیان داشته است: «رَبَّ وَاَلَدَهُ وَالصَّبِي يُرَبُّهُ رَبًّا: رَبَّاهُ أَي أَحْسَنَ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَوَلِيَهُ حَتَّى أَدْرَكَ أَي فَارَقَ الطُّفُولِيَةَ» (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، صص ۶-۷).

مصطفوی در التحقيق فی کلمات القرآن آورده است که هنگامی که ماده «ربو» در مورد تربیت انسان به کار می‌رود، مراد رشد و نمو و تربیت بدنی، جسمانی و مادی است، بر خلاف «تربیت» از ریشه «ربب» که به معنای حرکت به سمت کمال معنوی

است. تربیت انسان پیچیده و دارای ابعاد آثار و لوازم فراوانی می‌باشد. به نظر می‌رسد معانی متعددی مانند اصلاح، تدبیر، خوب رسیدگی نمودن، تعدیل، چیزی را ایجاد نمودند و به تدریج تکامل بخشیدن، حفظ و مراعات، مالکیت، صاحب، ولایت، سرپرستی، تغذیه، رشد و نمو و تصمیم که برای ریشه «رب» و «ربو» نقل شده است از آثار و لوازم تربیت و سوق به سوی کمال هستند (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۶).

پس به صورت کلی تربیت در صورتی که برگرفته از ریشه رب باشد در معانی حضانت، اصلاح، تدبیر، خوب رسیدگی کردن، تتمیم و تکمیل و چیزی را ایجاد کردن آمده است (بناری، ۱۳۸۳، ص ۵۹) و در حالتی که برآمده از ریشه ربو باشد این گونه معنا شده است: زیاد شدن، تغذیه نمودن، رشد و نمو کردن، بالا رفتن. ریشه دوم بیشتر به جنبه جسمانی تربیت و ریشه اول بیشتر به سایر جنبه‌های تربیتی اشاره دارد (اعرافی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۹).

اما آنچه که در این پژوهش مورد بررسی می‌باشد، روش‌های تربیت است. فن تربیت را این گونه تعریف کرده‌اند: «فن تربیت، کنش و گاه کنش و واکنشی است مهرآمیز، بخردانه، با روندی آهسته و پیوسته و بالنده و با دیرندی دست کم از گهواره تا گور، که در آن، کسی که فرهیخته است (مربی) رسالت دارد برای فرهیزش و نیکبختی و روی هم رفته، سود معنوی و مادی کسی دیگر (متربی)، در پی برانگیختن و پروراندن هماهنگ و هم‌سویه همه نهاده‌های خدا آفرید او برآید» (رفیعی، ۱۳۸۱، ص ۹۸).

در این مقاله تلاش شده است تا با تأکید بر سوره مبارکه حجرات، روش‌های تربیتی مورد استفاده خداوند به عنوان بزرگ‌ترین مربی را بیابیم تا در زندگی عملی بتوانیم آنها را به کار ببندیم.

۳. روش‌های تربیتی در قرآن

همان گونه که اشاره شد، روش‌های تربیتی به شیوه انتقال نکات تربیتی گفته می‌شود. به صورت کلی قرآن از روش‌های بسیار گوناگونی برای انتقال موضوعات و نکات هدایتی-تربیتی بهره می‌برد که این یکی از مزایای روش تربیتی قرآن است. همین روش

باعث می‌شود جامعه هدف مخاطبان قرآنی بسیار گسترده شود و همه افراد از دانشمندان تا جاهلان را شامل گردد.

نکته‌ای که اینجا دارای اهمیت است آنکه، پژوهش‌هایی که در رابطه با روش‌های تربیتی در قرآن صورت گرفته‌اند، تخلیطی در زمینه روش‌شناسی بیان نکات تربیتی و خود نکات تربیتی قرآنی در آنها رخ داده است؛ بدین معنا که در برخی از این پژوهش‌ها مواردی چون یاد‌قیامت و مرگ و یا مراقبه و محاسبه نیز در زمره روش‌های تربیتی در قرآن قرار گرفته‌اند؛ در حالی که این دو مورد و نظیر آنها را می‌توان به‌عنوان مفاد تربیتی قرآن به حساب آورد و نه روش بیان نکات تربیتی در قرآن. در مقابل مواردی چون موعظه و نصیحت عضوی از روش‌های مورد استفاده قرآن برای بیان محتوای تربیتی می‌باشد و خود یک مفهوم هدایتی-تربیتی نیست. این موضوعی است که از دیدگان برخی پژوهشگران این حوزه مغفول مانده است که از نظر نگارنده این مشکل برآمده از مبانی نادرست آن دسته از مولفان است (ر.ک: اسلامپور، ۱۳۸۵).

۱۶۱

مُطَالَعَةُ الْقُرْآنِ

روش‌شناسی بیان نکات تربیتی در قرآن با تأکید بر سوره مبارکه حجرات

با توجه به نکته یادشده، به برخی روش‌های قرآن برای بیان مفاهیم تربیتی اشاره می‌کنیم: امر و نهی، محبت، احترام و تکریم، زمینه‌سازی، پاکسازی محیط، برخورد حسن، رفیق و مدارا، تذکر، حکمت‌آموزی، مجادله نیکو، موعظه، عبرت‌آموزی، الگودهی، انذار، تبشیر، تشویق، وعده، ابتلاء، اعطای بینش، تلقین، عادت، تکرار، تغافل، عفو و اغماض، توبه، دعا، مسئولیت‌دادن، مشورت‌کردن با متربی، طرح پرسش، قصه‌گویی، تمثیل و تشبیه، محروم‌سازی، مواجهه متربی با نتیجه عمل، اعراض و رویگردانی، توییح، تهدید، تنبیه و مجازات.

به صورت کلی می‌توان این موارد را در دسته‌بندی‌های گوناگونی ارائه داد. مانند: الف) تقسیم روش‌ها به ایجاد و اصلاحی؛ این تقسیم‌بندی براساس کارکرد روش‌ها می‌باشد. برخی روش‌ها همچون روش اعطای بینش و الگودهی هدف ایجاد و پدیدآوردن یک خلق و رفتار در متربی می‌باشد. در مقابل هدف روش‌های اصلاحی همچون محروم‌سازی و یا مواجهه متربی با نتیجه عمل به حذف یا کاهش یک رفتار ناپسند کمک می‌کند.

ب) تقسیم روش‌ها به شناختی، عاطفی و رفتاری؛ روش‌هایی که به تقویت درک و فهم مخاطب کمک می‌کند، مانند روش‌های حکمت‌آموزی و طرح سوال که به‌عنوان روش‌های شناختی به حساب می‌آیند. آن روش‌هایی که به ایجاد انگیزه در متری می‌انجامد، روش عاطفی می‌گویند، مانند روش تشویق (فائمی‌مقدم، ۱۳۹۷، ص ۱۸).

از میان حدود ۲۰ روشی که از نظر گذشت، در این پژوهش فقط هفت مورد را جمع‌آوری کرده و درصدد بیان معرفی آنها برآمده‌ایم. این هفت روش عبارتند از: تذکر و یادآوری، موعظه و نصیحت، تشویق و تنبیه، تحریک عواطف، امر و نهی، ارائه الگو، قصه‌گویی می‌باشند. علت برگزیدن این هفت روش از میان روش‌هایی که بیان شد را می‌توان در دو مورد خلاصه کرد:

۱. این هفت مورد از جهت مقدار استفاده در قرآن جزو موارد و روش‌های اصلی به شمار می‌آیند؛ به این معنا که این هفت روش در سرتاسر قرآن مورد استفاده قرار گرفته است و قرآن بیشتر از این روش‌ها برای بیان مفاهیم و موضوعات تربیتی استفاده می‌کند.
۲. می‌توانیم مثال‌هایی از هر هفت روش را در سوره مبارکه حجرات که به سوره تربیت مشهور است، بیابیم تا بتوانیم تعریفی کامل‌تر از این موارد را پیش‌روی قرار دهیم.

۴. روش‌های بیان نکات تربیتی در سوره حجرات

پس از بیان مفهوم تربیت و روش‌های بیان آن، در این بخش از پژوهش برآنیم تا از سوره مبارکه حجرات، مهم‌ترین روش‌هایی را که نکات تربیتی به واسطه آنها بیان شده، استخراج و با تحلیل آیات مدنظر مورد مذاقه قرار گیرند. همان‌گونه که اشاره شد، سوره حجرات به‌عنوان یکی از سوره‌های اخلاقی-تربیتی و اجتماعی قرآن در طول تاریخ مورد توجه ویژه مفسران می‌باشد؛ به همین جهت این سوره برای بیان نمونه‌هایی از روش‌های قرآنی انتخاب گردید.

نکته دارای اهمیت در رابطه با روش کار این بخش از مقاله آن است که تقسیم‌بندی سوره مبارکه حجرات براساس آن هفت روش نامبرده می‌باشد و تمام آیات این سوره در این هفت بخش جای خواهند گرفت. در نتیجه این پژوهش به‌صورت ترتیبی به

آیات نمی‌نگرد، بلکه براساس هر روش آیات مرتبط گردآوری شده و مورد گفتگو قرار خواهند گرفت.

۴-۱. تذکر و یادآوری

تذکر و یادآوری یکی از مهم‌ترین قالب‌هایی است که قرآن کریم برای بیان نکات تربیتی از آن استفاده می‌کند. حتی خداوند در برخی آیات، به این نکته اشاره دارد که هدف از انزال قرآن را تذکر و یادآوری برای انسان است: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ؟ وَبِهِرَاسَتِي مَا قُرْآنَ رَا بَرَايَ تَذَكْرٍ وَبِنَدَامُوْزِي آسَانٍ وَقَابِلِ فَهْمٍ كَرَدِيْمٍ، پَس آيَا بِنَدِگِيرِنْدَه‌اِي هَسْتِ؟» (قمر، ۱۷) قرآن تذکر و یادآوری برای تمام جهانيان است، اما تنها کسانی که در پی یافتن مسیر هدایت هستند از این یادآوری استفاده خواهند کرد: «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ، لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ؛ أَنْ جَزِ يَادِ أَوْرِي وَبِنَدِي بَرَايَ جَهَانِيَانِ نَيْسَتْ * بَرَايَ هَرِ كَسِّ اَزِ شَمَا كِهَ بَخَوَاهِدُ بَهَ رَا هِ رَاسَتِ رُودِ» (تکویر، ۲۷-۲۸). در سوره حجرات نیز از این روش برای بیان نکات و مفاهیم تربیتی بهره برده شده است. آیاتی از سوره حجرات که در آنها این روش به کار گرفته شده عبارتند از:

یک. آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳) که در این آیه، یکی از والاترین مفاهیم و ارزش‌های انسانی به بشر یادآور می‌گردد و آن مفهوم «برابری افراد» است.

خطاب به «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» نشان از آن دارد که آنچه در این آیه ذکر شده است، برخلاف سایر مطالب سوره که مختص مؤمنان است، برای همه بشر می‌باشد (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳، ص ۴۳۳). این موضوع در میان بشر، به‌ویژه در زمان کنونی بسیار مورد غفلت مانده است. این آیه به‌صورت شفاف این موضوع را بیان می‌کند و به انسان یادآوری می‌شود که خداوند همه افراد را چه زنان و چه مردان، خود آفریده و در جای جای زمین و به‌اشکال گوناگون قرار داده است. معیار برتری انسان‌ها به تفاوت جسمانی و مادی نیست؛ روح افراد است که متمایزکننده ایشان می‌باشد. معیار برتری و یا پستی

روح نیز چیزی جز تقوای الهی نمی‌باشد، زیرا تقوای الهی ارزش محسوب می‌شود و عامل نزدیکی و دوری نسبت به خداوند است. نکته قابل توجه آنکه این آیه در شرایطی نازل شده که در میان اعراب بر خلاف اقوام دیگر آن زمان، افتخار به نسب قبیله‌ای از والاترین افتخارات افراد بود، تا آنجا که هر قبیله‌ای خود را قبیله برتر و هر نژادی خود را نژاد والاتر می‌شمرد؛ برخلاف برخی دیگر از اقوام که شاید مقام و یا ثروت را عامل برتری افراد می‌دانستند و می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷، ج ۲۲، ص ۱۹۸).

دو آیات «قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ * يَمْئُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُوتُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (حجرات، ۱۸ و ۱۶) که در این دسته از آیات، خداوند با لحنی عتاب‌گونه به آن گروه از مسلمانانی که خود را مؤمن می‌نامیدند و بر پیامبر منت ایمان خویش را می‌گذارند یادآوری می‌کند که همان ایمانی نیز که دارند، منتی از طرف خداوند است و ایشان باید شکرگذار چنین نعمت بزرگی باشند و حال آنکه ایمان خود را دست مایه منت بر پیامبر قرار داده‌اند. نیز در این آیات یادآور می‌شود که خود خداوند به همه امور آگاه می‌باشد و نیازی نیست چیزی را به خداوند یادآور شوید. نکته دیگری که می‌توان به عنوان یک مفهوم تربیتی از این دسته از آیات استخراج کرد آن است که منت گذاشتن لفظی از جمله اعمال ناشایستی است که باید از آن پرهیز کرد. خداوند در آیه ۲۶۴ سوره بقره نیز انجام چنین رفتاری را هنگام انفاق کردن بسیار ناپسند می‌شمارد و بیان می‌دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى؛ ای اهل ایمان، صدقات خود را به سبب منت و آزار تباه نسازید». در برابر این نوع از منت، نوع دیگری نیز وجود دارد و آن منت گذاشتن عملی است که از سوی خداوند صورت می‌گیرد و بندگان را مورد لطف و رحمت خویش قرار می‌دهد؛ همان‌گونه که خود خداوند در آیه ۱۷ سوره حجرات می‌فرماید: «بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ». از جمله نکات تربیتی مستخرج از این آیات آن است که منت بر مسلمان بودن جایز نیست، چه اگر اسلام بر اهداف مادی بنا شده باشد که دارای مصالحی است به

سود فرد و چه اگر اسلام خالص برای خداوند باشد که خداوند باید بر ایشان منت گذارد (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳، ص ۴۴۳).

نتیجه اینکه یکی از مهم‌ترین روش‌های بیان نکات تربیتی در قرآن، بیان مفاهیم در قالب تذکر است. گاهی اوقات مفاهیم و موضوعات فقط در قالب تذکر بیان می‌گردند و گاهی مواقع نیز با کمی عتاب همراه می‌شوند تا تنبیهی برای مخاطبان باشد. انسان به‌عنوان موجودی فراموش‌کار همیشه به چنین تذکراتی نیازمند است و نباید در برابر چنین مفاهیم الهی، لباس لجبازی بر تن کند و همانند بنی‌اسرائیل باشد، آن‌گاه که به آنان گفته شد آنچه را به شما دادیم از آیات تورات به اراده جدی فرابگیرید، و بشنوید و بپذیرید. آنها گفتند «سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا؛ شنیدیم و (به دل گفتند) نافرمانی کردیم» (بقره، ۹۳).

۲-۴. موعظه و نصیحت

دومین روشی که خداوند از آن برای بیان نکات تربیتی در قرآن و در سوره مبارکه حجرات استفاده کرده است، بیان مطالب در قالب موعظه و اندرز می‌باشد. «موعظه» که هم در معنای اسمی و هم در معنای مصدری به کار می‌رود، برگرفته از ریشه «وعظ» می‌باشد که به معنای بازداشتن همراه با ترساندن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۷۶).

موعظه کردن ابعاد گوناگونی را شامل می‌شود که با توجه به آن ابعاد آن می‌توان معنای دقیق آن را دریافت: ۱. موعظه هم امر به نیکی است و هم امر بازداشتن از بدی؛ ۲. در معنای موعظه تخویف و یا ترساندن از عواقب امور وجود دارد. در قرآن نیز در این زمینه می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةُ إِلَى رَبِّكُمْ وَعَلَّاهُمْ يَتَّبِعُونَ؛ و آن‌گاه که گروهی از آنان گفتند: چرا گروهی را پند می‌دهید که خدا هلاک کننده آنهاست یا عذاب کننده آنها به عذابی سخت است؟ گفتند: تا عذری باشد نزد پروردگارتان، و شاید که پرهیزگاری کنند» (اعراف، ۱۶۴). در این آیه کلمه وعظ با معنای ترساندن و تخویف همراه شده است؛ ۳. هدف از موعظه عبرت‌دادن است، آن‌گونه که در بسیاری از آیات مربوط به اقوام

گذشته و پیشینان چنین مفهومی فهمیده می‌شود: «وَ كَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ و از خبرهای پیامبران این همه را بر تو می‌گوییم آنچه را که بدان دل تو را بر جای و استوار بداریم، و تو را در این [سرگذشت‌ها] آنچه حق است و مؤمنان را پند و یادآوری است آمده است (هود، ۱۲۰)؛ ۴. موعظه قلب مخاطبان را نرم می‌کند و پذیرش سخن را برای آنان راحت‌تر می‌سازد. خداوند در آیه ۵۷ سوره یونس به روشنی به این موضوع اشاره می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ ای مردم، همانا شما را از پروردگارتان پندی آمد و بهبودی برای آنچه در سینه‌هاست - بیماری دلها - و رهنمونی و بخشایشی برای مؤمنان» (قائمی‌مقدم، ۱۳۹۷، صص ۲۱۹-۲۲۰).

به صورت کلی می‌توان گفت که «موعظه» یک روش تربیتی قرآنی است، چراکه در این روش واعظ درصدد هدایت مخاطب به انجام کارهای پسندیده و برحذر داشتن او از انجام کارهای ناشایست می‌باشد و این همان چیزی است که مربی انجام می‌دهد. در سوره حجرات نیز از این روش استفاده شده است. آیاتی از سوره حجرات که در آنها این روش به کار گرفته شده عبارتند از:

یک. آیه «وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (حجرات، ۵) که در این آیه مؤمنانی را که در آیات گذشته مورد خطاب بوده‌اند، موعظه به صبر می‌کند. آیات پیشین اشاره به مومنانی داشته است که گاه و بی‌گاه به سراغ پیامبر رفته و او را به شکلی نادرست صدا می‌زدند تا از خانه بیرون آید و به کار آنها رسد که این عملشان بسیار نکوهش شده است. در این آیه درباره این مومنان می‌گوید: که صبر کردن و منتظر خروج پیامبر بودن بسیار بهتر از انجام آن اعمال ناشایست است و باعث بخشودگی افراد می‌شود. این موضوع مهم تربیتی در قالب موعظه و نصیحت به این دسته از افراد گوشزد شده است.

نکته تربیتی آیه این است که در برابر افراد بی‌ادب و بی‌خرد، از باب رحمت، گذشت و مهربانی وارد شویم و آنان را مأیوس نکنیم. خداوند ضمن نکوهش کسانی که پیامبر اکرم ﷺ را با صدای بلند و فریاد خطاب می‌کردند، مغفرت و رحمت

خود را مطرح می‌کند تا یکسره مایوس نشوند و فرصت تغییر رفتار داشته باشند (قرائتی، ۱۳۹۸، ج ۹، ص ۱۶۶).

دو. آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوهَا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات، ۶).

از دیگر نکاتی که این آیه به صورت پند و اندرز مطرح کرده و مباحث بسیار گسترده‌ای نیز در زمینه آن شکل گرفته است، موضوع خبر فاسق است. در این آیه خداوند مؤمنان را نصیحت می‌کند که درباره خبر فاسق به تحقیق بپردازند تا با عواقب ناشیست آن دچار نشوند و به پشیمانی دچار نگردند. بنابر روایات، شأن نزول این آیه درباره ولید بن عقبه است که درباره زکات قبیله بنی‌مصطلق اخبار ناصحیحی را به پیامبر گزارش داد. پس از آن مومنان با قبول خبر ولید به قصد جنگ با این قبیله برخاستند که با نزول این آیه از بروز این جنگ بی‌مورد جلوگیری شد (طبرسی، ۱۴۳۰ق، ج ۹، ص ۲۱۹).

۱۶۷

مُطَالَعَةُ الْقُرْآنِ

روش‌شناسی بیان نکات تربیتی در قرآن با تأکید بر سوره مبارکه حجرات

۳-۴. تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه و یا به عبارتی دیگر تبشیر و تنذیر یکی از پرکاربردترین روش‌های قرآن برای بیان مفاهیم تربیتی است. تبشیر از ماده «بشر» به معنای پوست بدن انسان می‌باشد، هرگاه حیث ظاهری انسان مراد باشد، آن را بشر می‌نامند، زیرا پوست وی پیداست و موجودی پرمو نمی‌باشد، خبر مسرت بخش و خوشحال‌کننده را بُشری و بشارت می‌گویند، چون خوشحالی کسی که چنین خبری را نقل می‌کند و نیز مخاطب، از پوست صورت آنها پیداست (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۷۴). نذیر، به معنای ترساندن از عواقب کار به وسیله گفتار می‌باشد و مُنذِرُ را کسی می‌گویند که مردم را با اخبارش برحذر دارد. لفظ منذر در قرآن کریم در مورد انبیا به کار رفته است و تنها یک بار در سوره نجم آیه ۵۶ به‌عنوان صفت قرآن کریم بیان شده است (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۷۵؛ طباطبایی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۹، ص ۵۱).

برای فهم اهمیت این روش در همین اندازه، کفایت که بدانیم خداوند در قرآن پیامبر اکرم ﷺ و به‌صورت کلی پیامبران را منذر و مبشر می‌نامد و هدف از ارسالشان را

تبشیر و تندیز مردم می‌داند: «وَمَا تُزِيلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا الْمُبَشِّرِينَ وَ الْمُنذِرِينَ» (انعام، ۴۸). بسیاری از آیات قرآن با هدف تشویق و تنبیه مخاطبان نازل شده است که از جمله آنها می‌توان به آیات بهشت و جهنم و به صورت کلی معاد اشاره کرد که حدود یک ششم از آیات قرآن را شامل می‌شوند؛ بنابراین می‌توان گفت مهم‌ترین ابزار تبلیغی پیامبران الهی و دو اسلحه کاری آنان برای پیشرفت دعوت‌شان تبشیر و تندیز بوده است. نقش این دو در ترویج دین، نقش قائد و سائق است. یکی جلودار است و ره‌یافتگان پشت سر خود را به تبعیت از خود می‌خواند و به جلو می‌برد، دیگری از پشت سر، خلق عقب افتاده را به سوی هدف سوق می‌دهد (غضنفری، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۸۷).

در سوره حجرات نیز از این روش استفاده شده است. در آیاتی از سوره حجرات این روش به کار گرفته شده است:

یک. آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالِكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ» (حجرات، ۲) که در این آیه از وجه تنبیه و تندیز استفاده شده است، به صورتی که خداوند در اینجا نتیجه این عمل مسلمانان (بالا بردن صدایشان در حضور پیامبر اکرم ﷺ) را حبط ثواب عمل نیکشان برمی‌شمارد. چنین تندیزی باعث می‌شود که مسلمانان دیگر مرتکب چنین عمل زشت و ناخوشایندی نشوند (طباطبایی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۸، ص ۳۸۴). همان‌طور که گفته شد ممکن است در یک آیه از چند روش گوناگون به صورت هم‌زمان برای بیان نکات تربیتی استفاده شده باشد، این آیه نیز این‌گونه است. خداوند در این آیه خطاب به افرادی که با بی‌ادبی پیامبر را مورد خطاب قرار داده بودند، دستور می‌دهد که از انجام چنین عملی دوری کنند (نهی) و در کنار این نهی برای تأکید بیشتر، آنان را انذار می‌کند.

دو. آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات، ۱۰) که خداوند در این آیه همانند بسیاری از دیگر آیات از باب تشویق و تبشیر به مؤمنان وارد شده است تا مفهومی والا را برای آنان بیان کند و آنان آن را با جان و دل بپذیرند. در این آیه خداوند در ابتدا با روش «امر و نهی» مؤمنان را به برادری دعوت می‌کند و در پایان با بهره‌گیری از روش «تشویق» نتیجه انجام این عمل را برای آنان بیان

می‌دارد. آنچه که در این آیه به‌عنوان پاداش مؤمنان مطرح شده است، مشمول رحمت خداوند بودن می‌باشد که خود انگیزه‌ای بالا برای انجام چنین دستوری را فراهم می‌کند. نکته تربیتی دیگری که قابل ذکر است، اینکه دیگران وقتی می‌خواهند زیاد اظهار علاقه به هم‌مسلمانان خود کنند از آنان به‌عنوان رفیق یاد می‌کنند، ولی اسلام سطح پیوند علائق دوستی مسلمانان را به‌قدری بالا برده که به‌صورت نزدیک‌ترین پیوند دو انسان با یکدیگر آن‌هم پیوندی براساس مساوات و برابری مطرح می‌کند، و آن علاقه دو برادر نسبت به یکدیگر است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷، ج ۲۲، ص ۱۷۲).

۴-۴. تحریک عواطف

چهارمین روش پر استفاده قرآن برای بیان نکات تربیتی، تحریک عواطف مخاطبان است. قرآن در آیاتی چند چه از جانب خود خداوند و چه در داستان‌هایی که با اهداف تربیتی در قرآن آورده شده‌اند، از این روش به‌خوبی بهره برده است. برای مثال، قرآن برای ترساندن مردم از تقسیم ناعادلانه ارث، عواطف پدری را تحریک می‌کند و فرزندان یتیمان را در برابر چشمانشان مجسم می‌سازد: «وَلْيَحْشَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ وَجْهِ اللَّهِ وَنَجْوَى الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَلْيَخْشَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ وَجْهِ اللَّهِ وَنَجْوَى الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَلْيَخْشَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ وَجْهِ اللَّهِ وَنَجْوَى الَّذِينَ يَسْمَعُونَ» (نساء، ۹)؛ همچنین می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا؛ همانا کسانی که مالهای یتیمان را به ستم می‌خورند جز این نیست که در شکم‌هاشان آتشی فرومی‌خورند» (نساء، ۱۰) در این آیه، خداوند خوردن اموال یتیمان را مانند خوردن آتش به تصویر می‌کشد تا احساسات مخاطبان کلام را برضد چنین عملی برانگیزد. در آیه ۱۲ سوره مبارکه حجرات از این روش استفاده شده است:

آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ

تَوَابٌ رَجِيمٌ» (حجرات، ۱۲) که در این آیه خداوند متعال در ضمن حکم حرمت غیبت، برای همراه کردن مخاطب از روش تحریک عواطف ایشان استفاده کرده است آنجا که می‌فرماید: «أَيُّجِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» این عبارت به گونه‌ای بیان تعلیلی است برای حکم حرمت غیبت که باطن عمل غیبت را به تصویر کشیده است و با تشبیه بدگویی پشت مؤمن غائب به خوردن گوشت برادر مؤمن، در حقیقت عواطف مخاطبان را نسبت به این عمل شنیع برمی‌انگیزد (قرائتی، ۱۳۹۸، ج ۹، ص ۱۹۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۵۰۴).

۴-۵. امر و نهی

در نگاهی به جایگاه امر و نهی در فرهنگ قرآنی، باید نخست رابطه انسان و خدا را به یاد آورد که در قالب رابطه «عبد» و «رب» تصویر شده است. حال باید توجه داشت که چهره‌ای از وجوه این رابطه عبودیت و ربوبیت، همین موضوع امر و نهی است. این گونه است که میان مفاهیمی چون اطاعت و معصیت از امر و نهی، با ربوبیت و عبادت پیوستگی برقرار می‌گردد و امر و نهی افزون بر اهمیتش در شریعت، در خداشناسی و حتی جهان‌شناسی قرآنی نیز جایگاهی مهم می‌یابد. یکی از روش‌های پر کاربرد در زمینه بیان مفاهیم تربیتی نیز روش «امر و نهی» است. در روش‌های گذشته ما امر و نهی الهی را به صورت غیرمستقیم درباره موضوعات مشاهده می‌کردیم؛ بدین معنا که هدف از بیان قصص قرآن و یا موعظه‌ها و نصیحت‌های قرآن و یا تذکراتی که قرآن در پاره‌ای از موضوعات داشته است، انجام عملی و یا دورشدن از عملی بوده است که می‌توان نام آن را «امر و نهی غیرمستقیم» گذاشت. اما در این روش خداوند به صورت مستقیم و صریح به انجام عملی دستور و یا از انجام آن نهی می‌کند، مانند این آیه: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و با رکوع کنان رکوع کنید- با نماز گزاران نماز گزاید-» (بقره، ۴۳). البته در این میان نکته دارای اهمیت آن است که استفاده از صیغه امر و یا نهی در قرآن همیشه به معنای امر کردن و یا نهی کردن از انجام

عملی نمی‌باشد، مانند آنچه ما در آیه ۲۸ سوره نوح مشاهده می‌کنیم که در اصل معنای دعا می‌دهد و نه معنای امر: «رَبِّ اغْفِرْ لِي» در سوره مبارکه حجرات نیز از چنین روشی برای بیان مفاهیم و موضوعات استفاده شده است. آیاتی از سوره حجرات که در آنها این روش به کار گرفته شده عبارتند از:

یک. آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (حجرات، ۱). که این آیه در حقیقت در مقام بیان یک اصل کلی در میان پیروان دین اسلام است و آن اصل در قالب یک جمله به درستی بیان شده است: «لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» این جمله از آیه همه مؤمنان را از انجام هرگونه عملی یا پیشی گرفتن در هرگونه کاری نسبت به خداوند و فرستاده او نهی می‌کند. در نتیجه خداوند در این آیه به عنوان خالق هستی چنین دستوری را بر همه مردم وضع نموده و همگان مأمور انجام آن هستند. سرچشمه قانون و رفتار ما باید قرآن و سنت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد. پیشی نگرفتن از فرستاده الهی نه تنها در موضوعات فقهی، بلکه همه موضوعات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را نیز شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷، ج ۲۲، ص ۱۳۶).

دو. آیه «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأْضَلُّوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأْضَلُّوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات، ۹). که در این آیه جنگ و جدال میان مؤمنان از خطوط قرمز مسائل اجتماعی اسلام می‌باشد و خداوند چه در این آیه و چه در دیگر آیات به شدت از آن نهی کرده است. وجود اختلافات میان مؤمنان به حدی فاجعه‌بار و زیان‌ده است که خداوند در این آیه دستور می‌دهد با طرف یاغی‌گر جنگ کنید تا زمانی که صلح میان دو طرف متخاصم به صورت کامل برقرار گردد و تنها در همین آیه دو بار به برقرار صلح میان دو طرف جنگ دستور داده شده است. در این آیه از روش «امر و نهی» به صورتی کاملاً واضح و شفاف و در چند جای آیه استفاده شده است به گونه‌ای که هر شخص با ایمانی اهمیت و لزوم چنین امر را به خوبی درمی‌یابد. با توجه به این آیه می‌فهمیم وظیفه همه مسلمانان است که از جنگ و اختلاف میان گروه‌های مسلمانان جلوگیری کنند، زیرا جنگ میان مسلمانان باعث

تضعیف قوای ایشان می‌شود، درحالی که باید نیروی مسلمانان در جنگ با دشمنان مصرف گردد (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳، ص ۳۸۵).

سه. آیات «یا ایها الذین آمنوا لا یسخرن قوم من قوم عسی ان ینسوا خیرا منهم ولا ینساء من نساء عسی ان ینسوا خیرا منهم ولا تلمزوا انفسکم ولا تتابزوا باللقاب ینسوا الاسم الفسوق بعد الایمان ومن لم یثب فاولئک هم الظالمون * یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضا ایحب احدکم ان یاکل لحم لجم اخیه میتا فکرها ثموه واتقوا الله ان الله تواب رحیم» (حجرات، ۱۲و۱۱).

که در این دو آیه، خداوند برخی رذالت‌های اخلاقی مانند: تمسخر، عیب‌جویی، تجسس و غیبت را نام برده و از انجام آنها نهی می‌کند. بنابر ظاهر این دو آیه، لحن بیان آیه در قالب دستوری است و رذیلت‌های اخلاقی یادشده به شدت می‌کند و می‌توان این آیه را مصداقی از روش «امر و نهی» به حساب آورد. عبارت «ولا تلمزوا انفسکم ولا تتابزوا باللقاب» نهی از خرده‌گیری و از لقب بد دادن است. کلمه «انفسکم» حاکی است که مسلمانان مانند یک پیکر هستند و در نتیجه عیب گرفتن بر دیگران عیب گرفتن بر خود است (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۲۸۰).

مهم‌ترین نکته تربیتی که آیات بالا بدان اشاره دارند امنیت کامل و همه‌جانبه اجتماعی است: دستورهای ششگانه‌ای که در این دو آیه مطرح شده (نهی از مسخره کردن، و عیب‌جوئی نمودن، و القاب زشت دادن، و گمان بدداشتن، و تجسس کردن، و غیبت نمودن) به تأمین امنیت چهار سرمایه اصلی انسان یعنی جان، و مال، و ناموس، و آبرو می‌پردازد و همه آنها باید در دژهای این قانون قرار گیرند و محفوظ باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷، ج ۲۲، ص ۱۸۵).

۴-۶. ارائه الگو

ششمین شیوه‌ای که قرآن کریم برای بیان مفاهیم اخلاقی و تربیتی از آن بهره جسته، روش «ارائه الگو» است. قرآن به‌عنوان کتاب راهنمایی بشر به معرفی افرادی به‌عنوان الگوی مناسب و یا نامناسب زندگی پرداخته است تا انسان‌ها زندگی خود را با ایشان

بسبب خود را شبیه خوبان در گاه الهی نمایند. برای مثال خداوند پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را يَكُ الْكُوفَى شایسته پیروی معرفی می‌کند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ قطعاً برای شما در رفتار رسول خدا مایه اقتدا و سرمشق زندگی است برای کسی که به خدا و روز واپسین امید (قلبی و عملی) دارد و خدا را بسیار یاد می‌کند» (احزاب، ۲۱). مسلمانان با نگاه به شیوه زندگی ایشان باید هرچه بیشتر روش زندگی خود را به ایشان شبیه نمایند. در طرف مقابل، خداوند افرادی را الگوی بدی‌ها و ناشایستگی‌ها معرفی کرده است؛ برای مثال همسران پیامبرانی چون نوح عَلَيْهِ السَّلَام و لوط عَلَيْهِ السَّلَام اسوه ناشایست برای زنان معرفی شده‌اند: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةً نُوحٍ وَامْرَأةً لُّوطٍ» (تحریم، ۱۰).

با توجه به این که حیات انسان از شروع تا انجام با رنج و مشقت آمیخته است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد، ۴)، «إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ» (انشقاق، ۶) ارائه الگویی موفق که در مسیر زندگی بر مشکلات فائق آمده و راه سعادت را پیموده باشد می‌تواند مایه تأسی و موجب آرامش خاطر انسان شده و روح تلاش و کوشش را در او تقویت کند، چنان که بررسی سیاق آیاتی که در آن‌ها کلمه اسوه به کار رفته و سخن از سختی‌ها و ناملایمات جنگ و پیامدهای ناشی از بی‌زاری جستن از کافران به میان آمده می‌تواند مؤید این راز باشد. نکته دارای اهمیت آن است که در برخی موارد نیز شخص خاصی به‌عنوان الگو معرفی نشده است، بلکه ویژگی‌های یک الگوی خاص بیان شده است که نمونه‌ای از آن را در آیات سوره حجرات خواهیم دید.

یک. آیه «وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاكِبُونَ» (حجرات، ۷) که در این آیه نیز مانند آیه ۲۱ سوره احزاب، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به‌عنوان الگوی رفتار فردی و به ویژه رفتار اجتماعی برای همه مسلمانان و بلکه تمام افراد بشر معرفی شده است. نکته قابل توجه آیه اشاره به نبود تبعیت از الگوهای قرآن از جمله پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. اگر پیامبر در احوالات مختلف گوش به فرمان عامه مردم شود، این خود مردم هستند که خود را نابود می‌کنند. حالت صحیح آن است که ما خود

را به رسولان الهی شبیه سازیم، تا به سعادت ابدی دست یابیم. از جمله نکات تربیتی که این آیه سعی در بیان آن دارد، تذکر به قدردانی از وجود مسعود حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که در میان امت و نهایت سرافرازی برای آنهاست (شاه‌العظمی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۱۸۳)؛ بنابراین باید طبق دستور ایشان رفتار نموده و پیروی کرد و هرگز از او درخواست نمود که از خواسته‌های دیگران پیروی کند، بلکه شرط ایمان به رسالت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آنست که در همه امور از او دستور بخواهید و از گفتار و دستورات او پیروی کنید و در حوادث و رویدادها به او رجوع کرده، کسب تکلیف نمایید (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۳۸۸).

دو. آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَقْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات، ۱۵). در این آیه برخلاف آیه گذشته که شخص خاصی (پیامبر اکرم) به عنوان الگو برای افراد معرفی شده بود، در این آیه تنها به ویژگی‌های فرد مطلوب از نظر قرآن پرداخته شده است و سیمای چنین شخصی بیان گشته است. ایمان به خدا و رسول و جهاد با اموال و جان در راه خدا از مهم‌ترین ویژگی‌های چنین شخصی است؛ بنابراین نخستین نشانه ایمان عدم تردید و دو دلی در مسیر اسلام است، نشانه دوم جهاد با اموال، و نشانه سوم که از همه برتر است جهاد با جان است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷، ج ۲۲، ص ۲۱۲).

۴-۷. قصه‌گویی

هفتمین روش بیان محتوای تربیتی در قرآن، روش «قصه‌گویی» و یا بیان مفاهیم در قالب داستان‌های گوناگون است که برگرفته از اقوام گذشته و یا معاصر می‌باشد. قرآن تأکید فراوانی بر استفاده از قالب داستان، برای ارائه مفاهیمش دارد. حدود یک سوم آیات قرآن، درباره داستان‌های پیشینیان و نیز رویدادهای عصر نزول قرآن است. حتی در قرآن جهان آخرت نیز در قالب داستان ترسیم شده است (بلاغی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۱). می‌توان علت استفاده فراوان قرآن از داستان را ظرفیت بالای داستان در تأثیرگذاری بر اندیشه و روح انسان دانست (بلاغی، ۱۳۸۰، صص ۱۳ و ۱۴؛ طالی، ۱۳۹۰)؛

از این روست که گفته‌اند: از آنجا که طبیعت انسان از نصیحت مستقیم، روی گردان است، قرآن آموزه‌های خود را از راه داستان و به صورت غیرمستقیم عرضه کرده است (بلاغی، ۱۳۸۰، ص ۱۳). قرآن اهداف خود از بیان داستان‌ها را اطمینان خاطر پیامبر، موعظه کردن، تذکر مؤمنان معرفی کرده است: «وَكَلَّا نَقْصُصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نَبَّأْتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ؛ و هر گونه خبر از اخبار فرستادگان (خود) را برای تو بازگو می‌کنیم، اخباری که قلب تو را بدان ثابت و استوار سازیم، و در این سرگذشت‌ها حق به تو رسیده و پند و تذکری برای گروندگان آمده است» (هود، ۱۲۰). آیات فراوانی از قرآن به تأمل در سرگذشت پیشینیان، سفارش کرده‌اند (طالبی، ۱۳۹۰، ص ۲۹). براساس آیات قرآن، داستان‌های قرآنی ساختگی و افسانه‌ای نیست، بلکه واقعیت‌هایی است که خردمندان از آن‌ها عبرت می‌گیرند و موجب هدایت مؤمنان می‌شود: «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ» (آل عمران، ۶۲).

از جمله ویژگی‌های قصص قرآنی به لحاظ محتوایی و ساختاری را می‌توان، واقعی بودن، هدف‌مندی و پیام‌داشتن، ذکر معجزات و امور خارق‌العاده و وجود تپ‌های متفاوت شخصیتی در داستان‌ها دانست (سنگری، ۱۳۸۴، صص ۴-۷). سوره حجرات نیز از امتیازات بیان محتوا در قالب داستان به خوبی استفاده کرده است که در ادامه مشاهده خواهیم کرد:

آیات «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ * إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَزْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ * قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهُ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ * يَمْؤُنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (حجرات، ۱۴ الی ۱۷). این آیات به داستانی که در زمان پیامبر اتفاق افتاده است اشاره دارند. بسیاری از مفسران، شأن‌نزولی برای این آیات ذکر کرده‌اند که خلاصه‌اش چنین است: جمعی از طایفه بنی‌اسد در یکی از سال‌های قحطی و خشک‌سالی وارد مدینه شدند، و به امید گرفتن کمکی از پیامبر

شهادتین بر زبان جاری کردند، و به پیامبر گفتند: طوائف عرب بر مرکب‌ها سوار شدند و با تو پیکار کردند، ولی ما با زن و فرزندان نزد تو آمدیم، و دست به جنگ نزدیم، و از این طریق می‌خواستند بر پیامبر منت بگذارند (طباطبایی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۸، ص ۳۳۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۷، ج ۲۲، ص ۲۰۹).

این آیات مفاهیمی همچون عدم منت‌گذاری بر پیامبر، تفاوت اسلام و ایمان و جایگاه ایمان را در قالب داستانی از زمان پیامبر به تصویر کشیده‌اند که بیان این مفاهیم به شکل داستان در گزیرایی مخاطبان تأثیر بسزایی دارد. ناگفته نماند که در این دسته از آیات به صورت همزمان از روش «امر و نهی» و «موعظه و نصیحت» نیز استفاده شده است که از این دو مورد نیز در قالب داستان به خوبی بهره گرفته شده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی در این پژوهش بیان گردید، نکات ذیل به دست می‌آید:

۱. تربیت به معنای رشد و پروراندن متربی به واسطهٔ مربی است که امری تدریجی می‌باشد و به کمک روش‌های تربیتی انجام می‌شود.
۲. روش تربیتی، شیوه بروز عمل یا فعالیتی است که برای تأثیرگذاری بر متربی از مربی صادر می‌شود. در حوزه تعلیم و تربیت شیوه‌های فراوانی برای چگونگی تربیت مطرح شده و در کتاب‌های تعلیم و تربیت ذکر گردیده است که هدف اصلی همه این روش‌ها اثرگذاری در غیر (متربی یا متریان) است.
۳. قرآن کریم مسائل گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی را به شکل‌های گوناگون و برای مخاطبان قرآن در همه زمان‌ها به بهترین شکل بیان داشته است. آنچه که در این بین دارای اهمیت است شیوه بیان چنین مسائلی در قرآن است که کشف آنها به مربیان، معلمان و والدین در مسیر تربیت متربی، دانش‌آموز فرزند بسیار کمک می‌کند.
۴. تحقیقاتی که تاکنون در زمینه موضوع تربیت در قرآن انجام شده است بیشتر به کشف خود مسائل تربیتی در قرآن پرداخته‌اند، ولی پژوهش کنونی در پی آن بوده است

تا روش‌های بیان مسائل تربیتی را در قرآن کشف و بیان کند.

۴. از میان بیش از ۲۰ روش قرآنی در حوزه تربیت، هفت روش بیشترین موارد استفاده در قرآن را دارد، که عبارتند از: ۱. تذکر و یادآوری؛ ۲. موعظه و نصیحت؛ ۳. تشویق و تنبیه؛ ۴. تحریک عواطف؛ ۵. امر و نهی؛ ۶. ارائه الگو و ۷. قصه‌گویی.

۵. در سوره حجرات که به‌عنوان یک سوره اخلاقی و تربیتی در قرآن شناخته می‌شود از هفت روش یادشده استفاده شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۶ق). لسان العرب (ج ۱) بيروت: دار الاحياء التراث العربی.
۲. احمدزاده، محمدعالم. (۱۳۸۹). مفهوم‌شناسی تربیت در قرآن کریم. راه تربیت، ۵(۱۳)، صص ۱۳-۳۰.
۳. اسلامپور، عسکری. (۱۳۸۵). روش‌های تربیتی در قرآن. مجله پاسدار اسلام، شماره ۲۹۸، صص ۳۸-۴۴.
۴. اعرافی، علیرضا. (۱۳۸۷). کلیات فقه التریبه (ج ۱). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. بلاغی، صدرالدین. (۱۳۸۰). قصص قرآن. تهران: امیرکبیر.
۶. بناری، علی همت. (۱۳۸۳). تعامل فقه و تربیت. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۷. پورموسوی، سیداحمد؛ ناصری کریم‌وند، امان‌الله. (۱۳۹۹). عوامل تربیت در قرآن کریم از دیدگاه استاد قرائتی در تفسیر نور. پویش در آموزش علوم انسانی، ۵(۲۰)، صص ۷۵-۸۹.
۸. حسینی همدانی، محمد. (۱۴۰۴ق). انوار درخشان در تفسیر قرآن (ج ۱۵). تهران: لطفی.
۹. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم.
۱۰. رفیعی، بهروز. (۱۳۸۱). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۱. زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس (ج ۲). بیروت: منشورات دارالفکر.
۱۲. سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۴). هدف‌ها و شیوه‌های داستان‌پردازی در قرآن. مجله آموزش قرآن، ۳(۸)، صص ۳-۹.
۱۳. شاه‌عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری (ج ۱۲). تهران: میقات.

۱۴. طالبی، تهماسب. (۱۳۹۰). تاریخ در قصص قرآن. مجله آموزش تاریخ، شماره ۴۲، صص ۲۸-۳۳.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۳۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱۸، ۱۹). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۳۰ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۹). بیروت: دار الکتب العربی.
۱۷. غضنفری، سیدعلی. (۱۳۸۲). ره رستگاری (ج ۳، دوره سه جلدی). تهران: لاهیچی.
۱۸. قائمی مقدم، محمدرضا. (۱۳۹۷). روش های تربیتی در قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۹. قائمی، علی. (۱۳۸۳). روش ها و هدف های تعلیم و تربیت در قرآن کریم. گلستان قرآن، شماره ۱۸۳، صص ۲۳-۲۶.
۲۰. قرائتی، محسن. (۱۳۹۸). تفسیر نور (ج ۹). تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۲۱. قرشی بنابی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث (ج ۱۰). تهران: بنیاد بعثت.
۲۲. مدرسی، محمدتقی. (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن (ج ۱۳). تهران: دار محبی الحسین علیهما السلام.
۲۳. مصطفوی، حسن. (۱۴۱۶ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۱، ۴، ۱۲). تهران: موسسه الطباعه و النشر، وزاره الثقافه الاسلامیه
۲۴. معین، محمد. (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی (ج ۱، دوره ۶ جلدی). تهران: امیرکبیر.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۷). تفسیر نمونه (ج ۴، ۲۲). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. ملکی، حسن. (۱۳۹۰). درآمدی بر اهداف، اصول و روش های تربیت در قرآن. بصیرت و تربیت اسلامی، ۸(۱۹)، صص ۲-۱۶.

References

* Holy Quran

1. A'rafi, A. (1387 AP). *Koliyat-e Fiqh-e al-Tarbia* (Vol. 1). Qom: Research Institute for Seminaries and Universities. [In Arabic]
2. Ahmadzadeh, M. (1389 AP). Conceptualization of Tarbiyah in the Noble Quran. *Rah-e Tarbiyat*, 5(13), pp. 13-30. [In Persian]
3. Balaghi, S. (1380 AP). *Qesas-e Quran*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
4. Benari, A. H. (1383 AP). *Interaction of Jurisprudence and Education*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
5. Eslampour, A. (1385 AP). Educational Methods in the Quran. *Pasdare Eslam*, 298, pp. 38-44. [In Persian]
6. Ghazanfari, S. A. (1382 AP). *The Way of Salvation* (Vol. 3). Tehran: Lahichi. [In Persian]
7. Hosseini Hamedani, M. (1404 AH). *Radiant Lights in the Interpretation of the Quran* (Vol. 15). Tehran: Lotfi. [In Persian]
8. Ibn Manzur, M. (1416 AH). *Lisan al-Arab* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
9. Makarem Shirazi, N. (1397 AP). *Tafsir-e Nemune* (Vols. 4 & 22). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah. [In Persian]
10. Maleki, H. (1390 AP). An Introduction to the Objectives, Principles, and Methods of Education in the Quran. *Islamic Insight and Education*, 8(19), pp. 2-16. [In Persian]
11. Modarresi, M. T. (1419 AH). *Men al-Hoda al-Quran* (Vol. 13). Tehran: Dar al-Mohibb al-Hussein. [In Arabic]
12. Mo'in, M. (1360 AP). *Persian Dictionary* (Vol. 1). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
13. Mustafavi, H. (1416 AH). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim* (Vols. 1, 4 & 12). Tehran: al-Taba'ah wa al-Nashr, Wizarat al-Thaqafah al-Islamiyyah. [In Arabic]

14. Pourmosavi, S. A., & Naseri Karimvand, A. (1399 AP). Factors of Education in the Noble Quran from the Perspective of Ayatollah Qurra'ati in Tafsir-e Noor. *Perspectives in the Education of Human Sciences*, 5(20), pp. 75-89. [In Persian]
15. Qaemi, A. (1383 AP). Methods and Objectives of Education and Training in the Noble Quran. *Golestan-e Quran*, (183), pp. 23-26. [In Persian]
16. Qaemimoqadam, M. R. (1397 AP). *Educational Methods in the Quran*. Qom: Research Institute for Seminaries and Universities. [In Persian]
17. Qarashi Banabi, S. A. A. (1375 AP). *Tafsir-e Ahsan al-Hadith* (Vol. 10). Tehran: Bonyad-e Bethat. [In Arabic]
18. Qera'ati, M. (1398 AP). *Tafsir-e of Noor* (Vol. 9). Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran. [In Persian]
19. Rafiei, B. (1381 AP). *Perspectives of Muslim Scholars on Education and its Foundations*. Qom: Research Institute for Seminaries and Universities. [In Persian]
20. Raghieb Esfahani, H. (1412 AH). *Al-Mofradat fi Ghareeb al-Quran*. Beirut: Dar al-Ilm. [In Arabic]
21. Sangari, M. R. (1384 AP). Objectives and Methods of Storytelling in the Quran. *Quran Education*, 3(8), pp. 3-9. [In Persian]
22. Shah Abdol Azimi, H. (1363 AP). *Tafsir-e Ithnai Ashari* (Vol. 12). Tehran: Miqat. [In Arabic]
23. Tabarsi, F. H. (1430 AH). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 9). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
24. Tabatabaei, S. M. H. (1430 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (Vols. 18 & 19). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
25. Talebi, T. (1390 AP). History of Qesas-e Quran. *History Education*, 42, pp. 28-33. [In Persian]
26. Zobeydi, M. M. (1414 AH). *Taj al-Aroos min Jawahir al-Qamus* (Vol. 2). Beirut: Manshourat Dar al-Fikr. [In Arabic]